

Critique and Analysis of Moniru Ravanipour's Ecological Story "Ahle Ghargh" with a Look at the Discourse of Power

Asad Abshirini *

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Mohammad Reza Salehi
Mazandarani 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Manouchehr Jokar 

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Fatemeh Hayatdavoodi 

Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Abstract

Ecological critique is the study of the relationship between literature and the natural world, the origins of which are the emergence of new ideas in anthropology and environmental issues that humanist discourses play an important role in their emergence. In the story of Moniru Ravanipour's Ahle Ghargh, the relationships of the characters such as Kheyjo, Zayer Ahmad Hakim, Mah Jamal, Madine, and Mobor men with the environment are examined in this article to show how power relations at different levels of this story are effective based on Foucault's ideas. In this story, Kheyjo, Mah Jamal, Madine, and Zayer Ahmad Hakim have a close relationship with nature as well as a transcendental view of the earth that challenges the dominant discourse of the age, philosophical humanism; the humanism in which more attention is paid to human thought and looks at man and nature through the eyes of an element or object. This is why Foucault in the age of modernity sees the presence of man in the scene of the illustration of thought and consciousness, and argues that empirical combinations should be applied in a place other than the absolute rule of "I think". In this article, considering the importance and impact of discourses in the production of the literary text, the aim was to examine the story in question with a descriptive-analytical method of the human relationship with the environment and the impact of different discourses that play an effective role in exercising power to inform man about his behavior with the environment and to reveal his relationship with nature.

Keywords: Ecological Criticism, Moniru Ravanipour, Ahle Ghargh, Power Discourse, Foucault.


The present paper is adapted from a Ph.D. thesis on Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz.


* Corresponding Author: A.abshirini@scu.ac.ir


How to Cite: Abshirini, A., Salehi Mazandarani, M. R., Jokar, M., Hayatdavoodi, F. (2023). Critique and Analysis of Moniru Ravanipour's Ecological Story "Ahle Ghargh" with a Look at the Discourse of Power. *Literary Text Research*, 26(94), 7-33. doi: 10.22054/LTR.2022.61418.3394




نقد و تحلیل بوم‌گرایی داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور با نگاهی به گفتمان قدرت

اسد آبشیرینی *  استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

محمد رضا صالحی مازندرانی  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

منوچهر جوکار  دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

فاطمه حیات داوودی  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

نقد بوم‌گرا، مطالعه‌ی رابطه‌ی بین ادبیات و جهان طبیعت است که ریشه‌های ظهور آن طرح اندیشه‌های نو در مباحث انسان‌شناسی و معضلات زیست‌محیطی است؛ معضلاتی که گفتمان‌های اومانستی در پدید آمدن آن‌ها نقش بسزایی دارند. در این پژوهش روابط شخصیت‌های داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور از جمله خيجو، زائر احمد حکیم، مه‌جمال، مدینه و مردان موبور با محیط‌زیست بررسی شده است تا نشان داده شود برپایه‌ی اندیشه‌های فوکو، چگونه روابط قدرت در سطوح گوناگون این داستان مؤثر بوده است. خيجو، مه‌جمال، مدینه و زائر احمد حکیم در این داستان رابطه‌ای نزدیک با طبیعت و همچنین نگاهی فرانسوی به زمین دارند که گفتمان غالب عصر، اومانسیم فلسفی را به چالش می‌کشند؛ اومانسمی که در آن بیشتر توجه به اندیشه انسانی می‌شود و خود انسان و طبیعت را به چشم عنصر یا شی‌ای می‌نگرد. از این روست که فوکو در عصر تجدد، حضور انسان را در صحنه‌ی تصویرگری اندیشه و آگاهی می‌بیند و بر آن است که ترکیب‌های تجربی می‌باید در جای دیگری به‌غیر از حاکمیت مطلق «من اندیشم» اعمال شوند؛ مردان موبور در این داستان کسانی هستند که قدرت سرمایه و اقتصاد را در اختیار دارند و از آن در راستای سلطه بر طبیعت استفاده می‌کنند که باعث نابودی زیست‌بوم طبیعی و ازهم‌پاشیدگی جامعه‌ی انسانی «جفره» به‌مثابه همه‌ی زمین می‌گردند. در این نوشتار، نظر به اهمیت و تأثیر گفتمان‌ها در تولید متن ادبی، هدف این بوده است که در داستان مورد بحث با روش توصیفی-تحلیلی رابطه‌ی انسان با محیط‌زیست و تأثیرگذاری گفتمان‌های مختلف که نقش مؤثری در اعمال قدرت دارند، بررسی شود تا زمینه‌ساز آگاهی‌بخشیدن به انسان در رفتارش با محیط‌زیست باشد و نسبت او را با طبیعت آشکار نماید.

کلیدواژه‌ها: نقد بوم‌گرا، منیرو روانی‌پور، اهل غرق، گفتمان قدرت، فوکو.

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

* نویسنده مسئول: A.abshirini@scu.ac.ir

مقدمه

نقد بوم‌گرا رویکردی است که با دیدگاهی جدید باهدف تعادل میان طبیعت و جامعه‌ی انسانی به آثار ادبی می‌نگرد که اگر بخواهیم این نگاه را در متون ادبی بررسی کنیم، نمود آن را در آثار بسیاری از نویسندگان غربی و شرقی می‌بینیم. اصطلاح نقد بوم‌گرا «برای اولین بار توسط ویلیام روکرت در سال ۱۹۷۸ ابداع شد که به موضوعاتی در مورد چشم‌انداز و محیط می‌پردازد.» (دریز، ۲۰۰۲) اما کسی که نخستین بار آن را به‌عنوان یک مکتب در آمریکا در اواخر نیمه‌ی دوم قرن بیستم پایه‌گذاری کرد، چریل گلاتفلی بود که امروزه توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. وی نقد بوم‌گرا را «مطالعه‌ی رابطه‌ی بین ادبیات و جهان فیزیکی» (گلاتفلی، هارولد، ۱۹۹۵) می‌داند. از این رو «نقد بوم-گرا، یک جنبش نظری است که ساختارهای فرهنگی طبیعت را در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها بررسی می‌کند.» (اگان، ۲۰۰۶) در واقع «نقد بوم‌گرا، بوم‌محور است و در این نقد باید انسان‌محور بودن و منافع انسانی را از ذهن و نگاه خود دور کنیم.» (پارساپور، ۱۳۹۵) ریشه‌های ظهور چنین رویکردی طرح اندیشه‌های نو در مباحث انسان‌شناسی و همچنین معضلات زیست‌محیطی است. در گفت‌وگوهای هر دوره طبیعت نمود متفاوتی دارد و «به بیان تاریخی، در تخیل انسان چه نقش‌ها ایفا کرده است. گاه به‌مثابه‌ی «دیگر» رام نشدنی ظاهر می‌شود که جامعه‌ی انسانی نیاز دارد ارباب آن باشد و در مقابلش انگیزه‌ی تمدن‌بخش خویش را پروراند. از دیگر سو، پیشینه‌ی دیگری هم هست که تبارش، دست‌کم به یونان باستان می‌رسد و طبیعت را «آینه»‌ای می‌بیند که آدمیان باید به‌مثابه‌ی منبع شگفتی و اعتلا در آن بنگرند.» (اکلشال، ۱۳۹۹) می‌توان گفت نگاه انسان معاصر به طبیعت نگاهی اومانستی است و نه طبیعت‌محور و برگرفته از «دیگر» رام نشدنی و همین نگاه است که باعث مشروعیت‌بخشی به روند صنعتی کردن و شهرنشینی، انباشت سریع سرمایه بر زندگی اقتصادی، ابداع در فناوری و رواج فزاینده ماشین در تولید و ... می‌شود و میان انسان و طبیعت فاصله ایجاد می‌کند که در داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور نیز نمود بارزی دارد.

بنابراین آنچه در این تحقیق بیش تر مورد توجه قرار می‌گیرد، نوع رابطه‌ی انسان با محیط‌زیست است. رابطه‌ای که ما باید در آن انسان را جزئی از طبیعت بینیم؛ زیرا سرنوشت وی با طبیعت گره‌خورده است. از این‌روست که ما در نقد بوم‌گرا به بررسی رابطه‌ی نویسنده با طبیعت و چگونگی بازتاب مسائل زیست‌محیطی و پدیده‌های طبیعت اطراف وی در داستان او می‌پردازیم و شیوه‌های مختلف نگرشش به طبیعت پیرامون برای بیان مفاهیم ذهنی وی نشان داده خواهد شد. از این‌رو در این نوشتار هدف این بوده که با بررسی رابطه انسان با محیط‌زیست به تأثیرگذاری گفتمان‌ها بر جغرافیای زندگی نویسنده‌ی معاصر جنوب که در ساختار اثر وی تأثیر بسزایی داشته، پرداخته شود تا زمینه‌ساز جهت-دهی به رفتار انسان در برخورد با محیط‌زیست باشد؛ زیرا «نقد بوم‌گرا هم به چگونگی انعکاس رابطه‌ی انسان و محیط فیزیکی در آثار ادبی می‌پردازد و هم رابطه‌ی دین، اخلاق، زبان و جنسیت با محیط‌زیست را بررسی می‌کند.» (بشیریان و شایان‌سرشت، ۱۳۹۶)

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی با استفاده از رویکردهای زیست‌محیطی در حوزه‌ی متون ادبی، زبان‌شناسی، سیاسی و رسانه‌ای و ... در سال‌های اخیر گسترش بسیار یافته است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در مجموعه مقالات گردآوری‌شده توسط گلاتفلتی «خواننده بوم‌گرا: نقاط عطف در بوم‌شناسی ادبی» (۱۹۹۵)، همچنین آثار ترجمه‌شده‌ی فردوس آقاگل‌زاده «زبان‌شناسی زیست‌محیطی» (۱۳۹۵)، زهرا پارساپور «درباره‌ی نقد بوم‌گرا» (۱۳۹۲)، «نقد بوم‌گرا» (۱۳۹۲)، «ادبیات سبز» (۱۳۹۵)، دیوید مازل که در کتاب «محیط‌زیست ادبی آمریکا» از نظریه‌های فوکو استفاده کرده است و همچنین مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در این زمینه انجام شده است، مشاهده کرد. از مقاله‌هایی که جا دارد در اینجا از آن‌ها نام ببریم، یکی مقاله‌ی کریستوفر مانس «طبیعت و سکوت» است. وی با استفاده از نظریه‌های میشل فوکو در نظر می‌گیرد که چگونه علوم مسیحیان باعث سکوت طبیعت در گفتمان غربی شده و طبیعت از یک حضور آنیمیستی به یک حضور نمادین و از یک موضوع قابل احترام به یک شیء بی‌صدا تغییر یافته است. مقاله‌ی «بررسی نظام مقاومتی گفتمان در اهل غرق منیرو

روانی پور» از ابراهیم کنعانی است. نویسنده ویژگی مقاومتی گفتمان را از دیدگاه نشانه-معناشناختی که برای تبیین شرایط شکل‌گیری و استعلای معناست، بررسی و تحلیل کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد که در رمان پیش رو، گونه‌های مقاومت اسطوره‌ای، استعلایی، پدیدارشناختی، شوشی و هویتی نقش می‌آفرینند و قلمروهای گفتمانی بر اساس قدرت‌ها و انرژی‌هایی که به آن‌ها تزریق می‌شود، پیوسته بازپردازی می‌شوند. تفاوت پژوهش حاضر با مقاله‌ی کنعانی در این است که در مقاله‌ی کنعانی اصل موردتوجه نظام مقاومتی گفتمان است که در رمان اهل غرق منیرو روانی پور به آن پرداخته شده است؛ اما در پژوهش حاضر به پیامدهای اعمال قدرت و نه سرچشمه‌های آن که خود اصل اساسی موردنظر فوکو هست و در شکل‌گیری رفتارها و شخصیت‌های داستان و روابط آن‌ها با طبیعت نمودار است، پرداخته شده است. دیگری مقاله‌ی «نقد بوم‌گرایانه رمان اهل غرق منیرو روانی پور» از شهنازی، تدینی، منصور، پاکدل است که نویسندگان طبیعت را تنها مکان رویداد حوادث تلقی نمی‌کنند؛ بلکه به‌عنوان بستر و زمینه‌ی اصلی داستان، طبیعت را عامل پیشبرد حوادث می‌دانند که به‌طور مستقیم بر شخصیت‌ها اثر می‌گذارد و به‌طور متقابل تحت تأثیر انسان‌ها و تصمیمات آن‌ها قرار می‌گیرد. در کل با توجه به بررسی‌های انجام‌شده تاکنون پژوهشی درباره‌ی بررسی روابط قدرت به تأثیرپذیری از گفتمان‌ها بین انسان و محیط‌زیست در داستان اهل غرق منیرو روانی پور صورت نگرفته است و تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های انجام‌شده در این است که در پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی متن ادبی با محیط فیزیکی از منظر قدرت فوکو به تأثیرپذیری از گفتمان‌های اومانستی معاصر پرداخته خواهد شد تا کنش‌های گفتمانی که در اعمال قدرت تأثیر زیادی دارد و باعث شکل‌گیری رفتارهای خاصی در افراد یک جامعه می‌شود و بالطبع در نوع رفتار انسان بر جهان پیرامونش نیز تأثیر می‌گذارد که خود در تولید اثر ادبی نیز نمود چشمگیری دارد، پرداخته شود.

۱. گذری بر داستان اهل غرق از منیرو روانی پور

داستان اهل غرق منیرو روانی پور که در سال ۱۳۶۸ نوشته شده است، آبادی‌ای را به تصویر می‌کشد که اهالی آن در کنار دریا زندگی ساده و صمیمی و ارتباطی نزدیک با طبیعت دارند. آبادی‌ای که از پیشرفت‌های جهانی به دور است، طبیعت آن دست‌نخورده و خیری از قانون و قانون‌گذاری در آن نیست. با ورود مردان موبور و ابراهیم پلنگ به روستاست که آبادی جفره تحت تأثیر پیشرفت‌های جهانی قرار می‌گیرد و باعث به وجود آمدن رفتارهای خاصی در شخصیت‌های داستان می‌شود؛ زیرا این مردان دزدانی هستند که اهالی آبادی را فریب می‌دهند، داروندار آن‌ها را به تاراج می‌برند، زمین را آزار می‌دهند، باعث ایجاد فاصله بین اهالی جفره و طبیعت اطرافشان می‌شوند و نگاهی دلگیر و کینه‌توز دارند. از این‌رو جهان نویی که به ذهن آبادی راه می‌یابد، نمی‌گذارد مثل سابق زندگی کنند. در این داستان زائر احمد حکیم اولین شخصیتی است که این جهان نو را می‌پذیرد؛ هرچند بعد پشیمان می‌شود؛ اما مه جمال که دوستدار زمین است، در برابر این جهان نو دچار حیرت و سرگردانی می‌شود؛ زیرا برخلاف زائر احمد حکیم که خیال می‌کرد با هر پیشرفتی دری تازه به روی روستا باز می‌شود و شهرهای جهان به جفره نزدیک می‌شود، مه جمال این پیشرفت‌ها را باعث ایجاد فاصله بین مردم آبادی و طبیعت اطرافشان می‌بیند. زائر احمد حکیم که روزگاری دوست دارد آبادی به تمام جهان وصل شود، خسته از هجوم صداها و خبرها نیمه‌شب در خواب صدای شیهه‌ی اسب سفید را می‌شنود که مثل تمام حیواناتی که از بوی نفت سر به بیابان گذاشته‌اند، فرار کرده است. او می‌داند که خبرهای خوشی در راه نیست؛ زیرا یک آبادی را نفت بلعیده است و وی هم می‌ترسد که در آبادی او هم نفت پیدا شود و دولت مردم را مجبور کند که خانه‌های خود را رها کنند و آواره شوند، چیزی که برخلاف خواست زائر است؛ زیرا با خون‌دل آبادی را آباد کرده بود؛ بنابراین وی نگران آبادی است که بزرگ می‌شد و از هم می‌پاشید. اینجاست که ما حسرت زائر احمد حکیم را بر جهان ازدست‌رفته می‌بینیم؛ جهانی که بوی نفت هوای آن را سنگین کرده، طبیعت آن آسیب‌دیده و اتحاد اهالی روستا از بین رفته است.

۲. نگاهی به کارکرد قدرت در اندیشه‌ی فوکو

در اندیشه‌ی فوکو گفتمان و پیامدهای واقعی حاصل از آن نقش مهمی در اعمال قدرت دارند. دو نکته‌ی اساسی درباره‌ی چگونگی اعمال قدرت در اندیشه‌ی فوکو یکی گفتمان است که قلمرو اعمال قدرت را از دیرباز محدود ساخته است و دیگری پیامدهای واقعی است که در سایه این گونه اعمال قدرت ایجاد و منتشر می‌شود. در هر جامعه‌ای شکلی از روابط قدرت بافت جامعه را شکل می‌دهد. همچنین ایجاد و اعمال این روابط قدرت مستقیماً با ایجاد و انتشار گفتمان حقیقی گره خورده است. قدرت در کلیه سطوح جامعه نمود دارد و هر عنصری، هر قدر ناتوان فرض شود، خود مولد قدرت است. به نظر فوکو به‌جای بررسی سرچشمه‌های قدرت، باید به پیامدهای آن توجه کرد. (فوکو، ۱۳۸۷)

از این رو درک مفهوم قدرت در اندیشه‌ی فوکو مستلزم درک مفهوم گفتمان است؛ زیرا «روابط چندگانه‌ی قدرت بدن اجتماعی را درمی‌نوردد و آن را ترسیم و تأسیس می‌کند.» (فوکو، ۱۳۹۰) اصطلاح «گفتمان» در آثار و اندیشه‌ی فوکو گاه برای بیان روندهای منظم و قانونمند به‌کاربرده شده است؛ «یعنی قانون‌ها و ساختارهای نانوشته‌ای که کلام‌ها و گزاره‌های خاصی را پدید می‌آورند.» (میلز، ۱۳۹۷) از نظر فوکو قدرت در همه‌ی روابط انسانی قابل‌مشاهده است. «قدرت همه‌جا هست، نه به این معنا که قدرت همه را دربرمی‌گیرد، بلکه به این معنا که قدرت از همه‌جا می‌آید.» (فوکو، ۱۳۹۰)، قدرتی که «پیکره‌ی اجتماعی را تأسیس و در رگ و ریشه‌ی آن نفوذ می‌کند.» (بری، ۱۳۸۵) و سوژه و ابژه را شکل می‌دهد. (بهیان، ۱۳۸۹) فوکو معتقد است هر چه «رابطه قدرت سیال‌تر و انعطاف‌پذیرتر باشد، سلطه کمتر است.» (حقیقی، ۱۳۷۹) از این رو در این پژوهش ما به بررسی پیامدهای اعمال قدرت که بافت جامعه‌ی جفره را شکل داده و در شکل‌گیری رفتارها و شخصیت‌های داستان و روابط آن‌ها با طبیعت نمودار است، خواهیم پرداخت.

۳. انسان، روابط قدرت و محیط‌زیست در داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور

روابط قدرت به تأثیرپذیری از گفتمان‌ها بافت جامعه را شکل می‌دهد و از آن‌جا که اوضاع زمانه تأثیر بسیار چشمگیری بر زبان و محتوای یک اثر دارد، می‌توان گفت که گفتمان‌ها در تولید متن ادبی تأثیر بسزایی دارند. از این‌روست که گفته می‌شود «متن در هر شرایطی در بستری از گفتمان جریان دارد.» (مدرسی، ۱۳۹۰) بنابراین متن کنشی اجتماعی است که در ارائه‌ی خود، به یک گفتمان تبدیل می‌شود و با دیگر عناصر جامعه، یعنی قدرت، ایدئولوژی، تاریخ و سیاست مرتبط است. در واقع ما می‌توانیم نوع رفتار انسان با محیط‌زیست را پدیده‌ای گفتمانی بدانیم که وجوهی تاریخی دارد. در نوع نمود محیط‌زیست در ادبیات فارسی معاصر ما اندیشه‌های اومانستی تأثیر فراوانی دارد و گاهی به تعارض گفتمان انسان و محیط‌زیست منجر می‌شود که تلاش انسان برای تسلط همه‌جانبه بر طبیعت را به تصویر می‌کشد که باعث بحران‌های زیست‌محیطی می‌گردد. از این‌رو «برای بازپروری احساس تفکیک‌ناپذیری طبیعت و فرهنگ، تکنولوژی و فیزیک، زمین و دست‌ساخته‌های بشر (مصرف و تخریب)، بایستی از بن‌بست مدرنیسم و خودبینی اومانستی فراتر رویم.» (پارساپور، ۱۳۹۲)

داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور دوره‌ای از زندگی مردم جنوب را در روستای جفره با بیان خصوصیات اقلیمی، عقاید و باورداشت‌هایشان به تصویر می‌کشد. مردمی که به مقابله با گسترش صنعت و فن‌سالاری استعماری برخاسته‌اند تا بتوانند در روستای بکر جفره در ساحل خلیج فارس در نزدیکی بوشهر در کنار موج دریا و در تعامل با طبیعت پیرامونشان زندگی کنند. البته ورود صنعت به روستای جفره باعث تغییر در نگاه بعضی از اهالی روستا در تعامل با محیط پیرامونشان می‌شود و باعث ایجاد کنش‌هایی شده و رفتارهای خاصی را در آنان شکل می‌دهد. در واقع در داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور برخلاف آثار کلاسیک زبان فارسی، نگاه انسان به طبیعت تغییر کرده است. انسان در این داستان به تأثیرپذیری از گفتمان‌های غالب عصر محملی برای اجرای قدرت است و در واقع روندی سلطه‌جویانه بر طبیعت را بازنمایی می‌کند. سلطه‌ای که می‌توان آن را رهاورد عصر

روشنگری و بیداری سوژه دانست. «تصدیق قدرت به منزله‌ی اصل حاکم بر همه‌ی روابط، بهای بیداری سوژه است... خدای خلاق و اندیشه یا روح نظام‌مند، هر دو در مقام حاکمان بر طبیعت همانند یکدیگرند. همانندی انسان با خدا یعنی: حاکمیت و سروری بر هستی، نگاه اربابانه و نشستن بر کرسی فرماندهی.» (آدورنو و هورکهایمر، ۱۳۸۹) اما بعضی از شخصیت‌های این داستان از جمله خیجو، مه جمال و زایراحمد حکیم و مدینه به دنبال ترسیم دنیایی فراانسانی هستند؛ درواقع آزاد کردن خود از بند وضعیت غیرانسانی جهانی که در آن قدرت و سلطه بر طبیعت حرف اول را می‌زند؛ قدرتی که به تأثیرپذیری از گفتمان‌های اومانیستی فلسفی اعمال می‌شوند که در زیر رفتار شخصیت‌های داستان در تقابل با محیط به تأثیرپذیری از گفتمان‌های غالب عصر که در اعمال قدرت تأثیر زیادی دارد، بررسی خواهد شد:

۳-۱. خیجو

خیجو شخصیتی است که در مقابل صنعتی که زیست‌بوم جفره را به نابودی می‌کشاند، ایستادگی می‌کند. هرچند که در پایان راهی جز گریز اما به امید بازگشت نمی‌بیند. وی با ورود صنعت به روستا دچار نوعی سرگردانی می‌شود و سؤالات بی‌شماری در ذهنش شکل می‌گیرد که پاسخ آن‌ها را می‌توان در گفتمان‌های عصر که مولد قدرت‌اند، جستجو کرد. درواقع در این رمان استفاده از قدرت در قالب تسلط انسان بر طبیعت باعث نابودی انسان و طبیعت می‌شود که ما در نمونه‌ی زیر از این داستان، این تسلط را به‌وضوح می‌بینیم که چگونه پیدا شدن چاه‌های نفت در روستای جفره زیست‌بوم جانوری آن را به خطر می‌اندازد:

«سرانجام تارا، آهوایی که از بوی نفت گیج شده بود و از درد دنده‌هایش درآمده بود و پاهایش آن‌قدر لاغر شده بود که نمی‌توانست جثه‌اش را نگه دارد، در غروب یکی از روزهای پاییزی مرد.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

در این داستان انسان با استفاده از ابزار قدرت خود برای تصاحب طبیعت رو در روی او می‌ایستد و به جنگ با آن می‌پردازد که تنها راه رهایی از این جنگ برای یکی از شخصیت‌های این داستان، یعنی خيجو ترک روستا است. وی جفره را به امید روزی که دوباره به آنجا برگردد، ترک می‌کند:

«سرانجام رنگ خاکستری و غم‌انگیز دریا، موج‌های تنبل و بی‌حال آن، گم‌شدن مرغان دریایی بر فراز دریای جفره و قیر که دیگر تا بالای سد آمده بود و آن بوی سنگین مردم را واداشت که خانه‌های خود را به مأموران تیمسار صنوبری بفروشند و آبادی را ترک کنند. خيجو آخرین کسی بود که سر به تسلیم زمانه گذاشت. در و پنجره‌ها را می‌خکوب کرد و به امید آنکه روزگاری به جفره بازگردد، خانه‌ای کوچک در شهر خرید و به آنجا کوچ کرد.» (همان: ۳۹۷)

درحالی که خيجو خود در این داستان در ابتدا شخصیتی بوده که حتی کسانی را که به سبب بوی نفت قصد ترک روستا را داشته‌اند، با یادآوری خاطرات مشترک پشیمان می‌کرده است:

«گاهی کسانی پریشان از بوی نفت بار سفر می‌بستند و خيجو آن‌ها را با خاطرات مشترک پشیمان می‌کرد.» (همان: ۳۹۵)

می‌توان گفت در این داستان «فناوری جایگزین جغرافیا شده است و فرهنگ‌های معتبر محلی در حال از بین رفتن یا تغییر هستند.» (گلا تفلتی و کیواسنل، ۲۰۱۵) البته سلطه بر طبیعت در این داستان را می‌توان حاصل نیاز آدمی نیز دانست:

«نیاز راه را بر خلق و خوی آدمی می‌بندد. نان او را در چنبره خود اسیر می‌کند.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

مارکس در برداشت ماتریالیستی از تاریخ «به بنیان اقتصادی یک جامعه به منزله‌ی مجموعه عواملی نگاه می‌کند که معین‌کننده‌ی تمام عناصر روبناست.» (فرتر، ۱۳۸۶) در واقع اسیر شدن در چنبره‌ی نان است که در این داستان باعث تباهی زیست‌بوم و در کل بغرنج شدن زندگی انسان می‌گردد. از این رو انسان برای رهایی از این معضل برای

بهره‌برداری از طبیعت تدابیری می‌اندیشد که اگر در این راستا توازنی نباشد، باعث نابودی محیط‌زیست و در کل جامعه‌ی انسانی می‌گردد که در داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور نیز با آمدن صنعت به روستا در بهره‌برداری از زمین، نگرانی در چهره‌ی شخصیت‌های این داستان از جمله خیجو نمود می‌یابد:

«خیجو در کلنجرهای ذهنی خود راه به‌جایی نمی‌برد. پرسش‌های بی‌شمارش بی‌جواب می‌ماند. چرا زمین‌های جفره را اندازه می‌گیرند؟ خاک زمین را برای چه می‌خواهند؟» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

به دلیل این که قدرت سلطه بر طبیعت در جامعه‌ای که در داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور به تصویر کشیده می‌شود، دارای مشروعیت و در راستای توازن با طبیعت نیست و به تأثیرپذیری از گفتمان عصر، یعنی اومانیسیم فلسفی اعمال می‌شود و قوانین فراانسانی نادیده گرفته می‌شود، استبداد تلقی شده و باعث نابودی روستای جفره و زیست‌بوم آن می‌شود؛ چون طبعاً سرشت انسانی از استبداد گریزان است. استبدادی که در این داستان با ورود صنعت به این روستا نمایان و شخصیت‌های داستان از آن گریزان. در واقع آبادی جفره و اهالی آن «قربانی گسترش صنعت و فن‌سالاری شده‌اند.» (دستغیب، ۱۳۹۱) در کل ارتباط خیجو با طبیعت در این داستان رابطه‌ای فراانسانی است که گفتمان غالب عصر، یعنی اومانیسیم فلسفی را به چالش می‌کشد؛ زیرا روابط حاکم بر این گفتمان رابطه‌ای برگرفته از قدرت است که در آن «اندیشه‌ی انسان» در محور همه‌چیزها قرار می‌گیرد و انسان و طبیعت به عنصر یا شیء‌ای تبدیل می‌شوند. چیزی که «فوکو نیز می‌کوشید ثابت کند که وقتی علم و قدرت در گردونه‌ی نهادی افتاد، ماهیتی عینی و برون‌ذات می‌یابد و انسان‌ها در این راستا به شیء بدل می‌شوند.» (فوکو، ۱۳۸۷) گفتمان غالب عصر شخصیتی (خیجو) را در این داستان به تصویر می‌کشد که رابطه‌اش با محیط‌زیست در واقع رابطه‌ی یک انسان ناگزیر و مجبور است، انسانی که به شیء تبدیل شده و چاره‌ای جز تسلیم در مقابل سرنوشتی که جامعه برایش رقم زده است، ندارد. البته باید توجه داشت، آنچه در این داستان مدنظر است، تنها بهره‌برداری از طبیعت نیست؛ بلکه عواقب این بهره‌برداری هم

هست که باعث برهم خوردن زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌گردد. از جمله از بین رفتن اتحاد اهالی جفره، آلودگی محیط و از بین رفتن جانداران زیست‌محیطی و آلودگی صوتی و ...

۲-۳. زائر احمد حکیم

در داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور زائر احمد حکیم شخصیتی است که در برابر نیروهای درونی طبیعت دچار سرگردانی می‌شود:

«زائر احمد کلافه بود. مفهوم سکوت را از دست داده بود و دیگر نمی‌دانست جهان بی‌هیاهوی دریا چه رنگ و بویی دارد.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

همین سرگردانی است که باعث دیدی دوگانه در وی می‌شود. وی از یک سو از پیشرفت روستا خوشحال است و کسی است که صلاح نمی‌بیند شب‌های روستا در خاموشی بگذرد. از این رو معامله نفت و ماهی را آغاز می‌کند:

«زائر صلاح ندید که شب‌های آبادی در خاموشی بگذرد. خود به سرگردنه رفت و بی‌آنکه گپی بزند، معامله نفت و ماهی را آغاز کرد.» (همان: ۱۶۷)

در جای دیگر داستان زائر شخصیتی است که هوش و حواسش به دریا نیست و انگار مردان شهری عقل او را ربوده‌اند:

«حتی هوش و حواس زائر هم به دریا نبود، انگار مردان شهری عقل آبادی را دزدیده بودند.» (همان: ۱۸۹)

وی به دلیل ترس از طبیعت بکر جفره و طغیان دریا است که تن به ساختن سد می‌دهد و خواهان پیشرفت روستاست. وی حتی با پولی که از بیماران می‌گیرد هزینه‌ی ساختن سد را تأمین می‌کند؛ زیرا در فکر آبادی است و نمی‌خواهد که بوسلمه آبادی را خراب کند:

«زائر در فکر آبادی بود. نمی‌خواست بوسلمه آبادی را به خاک سیاه بنشانند.» (همان:

در این جاست که ما نمود عقل و اندیشه را در برخورد با طبیعت مشاهده می‌کنیم؛ چیزی که خصیصه‌ی عصر روشنگری است. از سوی دیگر که به این داستان می‌نگریم، زائر احمد حکیم شخصیتی است که نگران زمین است؛ به همین دلیل در مقابل مردان موبور که به زمین آزار می‌رسانند، عکس‌العمل نشان می‌دهد:

«هر کدام به کاری مشغول بودند. یکی روی نقشه‌ای خم شده بود. یکی زمین را اندازه می‌گرفت و سه تای دیگر زمین را سوراخ می‌کردند و میله‌ای بزرگ را با دستگاهی آن‌چنان در زمین فروبردند که زائر نگران روی دو کنده‌ی پا بلند شد، دست یکی از آن‌ها را گرفت تا بیش از این زمین را آزار ندهند.» (همان: ۱۳۶)

در کل در ابتدا زایرا احمد حکیم فریب این مردان موبور را می‌خورد و تسلیم جهان سرمایه‌داری می‌شود که زندگی‌ای را برای اهالی جفره رقم می‌زند که باعث ازهم‌پاشیدگی وحدت آنان می‌شود. چراکه در این داستان سرمایه‌داری است که حکم رانده و افراد را تسلیم خود کرده است. در واقع «وابستگی مستقیم به طبیعت با توسعه‌ی نیروهای تولیدی سرمایه‌داری از بین می‌رود.» (مساروش، ۱۳۸۰) در این جاست که ما نمود اندیشه‌ی آدمی را در تصرف طبیعت به‌وضوح می‌بینیم. چیزی که برگرفته از جهان سرمایه‌داری است. پلاموود نیز می‌گوید: «هرگاه ذهن انسان در کنار خدا به‌عنوان تنها منبع ارزش تلقی شود، طبیعت دارای ارزش و معنایی فراتر از آنچه عقل به آن اختصاص داده، نیست. این تضاد نیست که این نگاه به طبیعت با ظهور سرمایه‌داری که نیاز به تبدیل طبیعت به کالا و منبع بازار داشت بدون محدودیت اخلاقی یا اجتماعی کاملاً مورد توجه قرار گرفت.» (گرا، ۲۰۰۴)

در این داستان زائر احمد حکیم اگرچه در ابتدا فریب سرمایه را می‌خورد، اما بعد با آگاهی از تبعات چنین تسلیمی پشیمان می‌شود؛ بنابراین نگرانی وی در رابطه‌ی سلطه‌ی انسان بر طبیعت دوچندان می‌شود و با اینکه در مقابل آن عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ نمی‌تواند مانع این کار شود. از این رو زائر «ساعت‌ها به کارگرانی نگاه می‌کرد که با عصبی‌ترین وسایل جهان به جان کوه‌ها افتاده بودند.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹) و همچنین

«می ترسید که در آبادی او هم نفت پیدا شود.» (همان: ۳۳۵) نفتی که باعث از بین رفتن زیست جانوری جفره می گردد:

«بوی نفت و قیر داغ همه جا پیچیده بود و زائر خیال کرد که اسب هم مثل تمام حیواناتی که از بوی نفت سر به بیابان می گذاشتند، در رفته است.» (همان: ۳۴۷)

زائر احمد حکیم «روزگاری به هوای آسودن در کنار دریای آبی به جفره آمده بود» (همان: ۲۴۶) اما اکنون پاسگاه و قانون بود که نمی توانستند بدون اجازه آن کاری کنند:

«امروز دریا را از تو می گیرند و فردا مشکل بتوانی بی اجازه ی پاسگاه روی زمین قدم برداری» (همان: ۲۴۷)

تصویر زائر احمد حکیم در این داستان با این نمود که نمی تواند جلوی نابودی زمین را بگیرد، شخصیتی را به تصویر می کشد که از خلق و خوی ناپایدار ارباب قدرت آگاهی دارد و می داند که مقابل آن نمی توان ایستادگی کرد. آرایش گفتمانی و گزاره هایی که در این داستان شکل می گیرند، عبارت اند از: فرض اول: این که زائر تن به پیشرفت روستا با ورود صنعت خواهد داد. فرض دوم: زائر از هر راهی برای رهایی زمین از سلطه ی آدمی استفاده خواهد کرد. آشکار است که هرگز زائر تن به قبول سلطه بر طبیعت نخواهد داد. زائر هنگامی که از تبعات سلطه ی آدمی بر طبیعت آگاه می شود، سعی می کند با اقداماتی جلوی آن را بگیرد؛ اما بازهم با شکست مواجه می شود و نمی تواند کاری از پیش ببرد. آگاهی و دانش زائر سودمند نیست؛ زیرا با وجود همه ابزارهای پر قدرت حتی حکومت ها نیز نمی توانند میدان روابط واقعی قدرت را به نفع خود قبضه کنند. چیزی که فوکو نیز در اندیشه های خود آن را بیان می کند. از این رو ذکر این نکته ضروری است که «در حوزه ی نظریه ی پسااستعماری، دیگر نباید استعمارگری را نوعی تحمیل روابط قدرت بر یک جمعیت بومی منفعل تصور کرد؛ می توان گفت استعمارگری نوعی اعمال قدرت است از راه خشونت و تجاوز و نیز از راه تولید دانش و اطلاعات یا از طریق تصرف بسیار شکننده ی یک قلمرو دیگر که پیوسته مورد چالش قرار می گیرد و پیوسته نیاز دارد که از خود در برابر مخالفت ها به دفاع برخیزد.» (میلز، ۱۳۹۷)

۳-۳. مه جمال

در داستان اهل غرق منیرو روانی پور پیش‌بینی‌ناپذیری طبیعت و ترس از آن نمود بارزی دارد. یکی از سؤالات اساسی در این داستان این است که چرا اهالی روستای جفره با این که در قلمرو خود در تقابل با طبیعت، بی‌قدرت و در جدال با طبیعت هستند، باز از سلطه بر جهان و طبیعت گریزان‌اند؟ طبیعت در این داستان عنصری مهم است که در شکل‌گیری شخصیت‌های داستان تأثیر بسزایی دارد. مه جمال در این داستان مظهری از طبیعت است:

«مدینه مه جمال را نشانه‌ای از دریا می‌دانست.» (روانی پور، ۱۳۶۹)

وی در این داستان شخصیتی است که از سلطه‌ی آدمی بر طبیعت نگران است:

«دل مه جمال با هر شکافی که زمین برمی‌داشت قاچ قاچ می‌شد. مه جمال دریایی

آن‌قدر در غم زن و فرزندان خود نبود که در غم زمین.» (همان: ۲۷۴)

او با ورود صنعت که در اینجا می‌توان نمود آن را کپ‌کپی (موتور) و رادیو دانست

و شهر شدن آبادی مخالف بود؛ زیرا این دو را باعث دور شدن آبادی از طبیعت و دریا می‌دانست:

«و مه جمال بی‌قرار زمین تقلای مردمان جفره را می‌دید که انگار می‌خواستند روز و

شب را به هم بدوزند تا به زمان بازگشت مردان شهر برسند ... مه جمال مردم را می‌دید که

بی‌قرار رو به راسه چشم می‌دوزند و بی‌آنکه به دریا نیم‌نگاهی کنند، نگران صدای

کپ‌کپی خواب‌وخیال خود را از دست داده‌اند ... مه جمال می‌دید که آبادی از دریا و

پریان دریایی دور می‌شود... مه جمال دریایی دوستدار زمین می‌دید که ذهن آبادی از هم

می‌پاشد.» (همان: ۱۸۹)

او دیدی فرانسائی به طبیعت دارد و نگران زمین است؛ زمینی که در اثر سلطه‌ی

آدمی تکه‌پاره می‌شود:

«زمین زخمی بود و آشفته. انگار کسی یقه‌ی او را گرفته باشد و او را تا نهایت مرگ

زده باشد. مه جمال گیج بود.» (همان: ۲۰۶)

در این تصویر ما این همانی انسان با طبیعت را که با استفاده از آرایه‌ی تشخیص بارز شده است، می‌بینیم. طبیعتی که جزئی از جامعه‌ی انسانی محسوب می‌شود؛ به همین دلیل است که مه‌جمال هنگامی که طبیعت را می‌بیند که در اثر سلطه‌ی آدمی نابود می‌شود، افسوس می‌خورد:

«مه جمال با لب‌های به تاول نشسته‌ی زمین زمین گیر می‌شد. کجاست آن گل‌های کوچک آبی که در صحرای جفره سر از زمین بیرون می‌آورد و می‌خندید.» (همان: ۲۷۴)

در این نمونه نیز با استفاده از «فرآیند رفتاری» (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴) رفتار و کنشی انسانی با استفاده از فعل خندیدن و با کاربرد آرایه‌ی تشخیص به طبیعت نسبت داده شده است که چگونگی رفتار و احترام فرد را نسبت به طبیعت پیرامونش به صورت جزئی از جامعه‌ی انسانی نمودار می‌سازد. در این داستان توسل جستن مه جمال و التماس وی به آسمان و دریا را می‌توان نشانی از قدرت غیرقابل پیش‌بینی طبیعت دانست که در شکل‌گیری شخصیت‌های این داستان و عقاید و باورداشته‌های آنان نقش مهمی داشته است:

«مه جمال نیمه‌شب به آقای اشک پناه برد و در آنجا به آسمان و دریا التماس کرد.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

وی از اثرات مخرب سلطه‌ی آدمی بر طبیعت آگاه است. از جمله اثرات مخرب زیست‌محیطی، آلودگی صوتی و نابودی زمین:

«مه جمال با هر صدای دوردستی که می‌شنید، گوش‌هایش را می‌گرفت و در خود می‌پیچید، انگار گوشت تنش را به تاراج می‌بردند. زمین دست می‌خورد. زمین مثل آبی کوچکی که در چنگال بوسلمه بیفتد، و هچیره (شیون، ناله با صدای بلند) می‌کشید.» (همان: ۲۵۵)

موارد ذکرشده این اصل مهم را نمودار می‌سازند که محیط طبیعی جفره دست‌خورده است و تبدیل به محیطی مصنوعی شده که ساخته‌ی نیرو و فکر انسان است. نیرو و فکری که تأثیر گفتمان اومانیسیم فلسفی را در اعمال قدرت بر آن به وضوح می‌بینیم.

درواقع محیط‌زیست جفره در این داستان محملی برای اجرای قدرت بوده است. همان‌طور که دیوید مازل نیز در بخش اول کتاب «محیط‌زیست ادبی آمریکا» که بر اساس نظریه فوکو به آن پرداخته است، می‌آورد: «محیط‌زیست همیشه جدا از قدرت یا کاملاً در تقابل با قدرت عمل نکرده است، بلکه اغلب یک استقرار و تحکیم قدرت بوده است.» (مازل، ۱۹۹۶)

۳-۴. مدینه

مدینه در این داستان شخصیتی است که گوش به موج‌های ریز دریا می‌دهد. برای زنان آبادی قصه‌هایی از دریا می‌گوید و پریشان دریا و آبیان دریایی است و بوی شور دریا را از آن سوی جهان می‌شنود. وی رابطه‌ای نزدیک با طبیعت دارد، رابطه‌ای که در آن عناصر طبیعت جزئی از جامعه انسانی به حساب می‌آیند:

«هیچ کس به جز مدینه زن زائر احمد به ماه که غبار گرفته و دلگیر توی آسمان نشسته بود فکر نمی‌کرد.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

در مورد ذکر شده استعاره‌ی «طبیعت یک جامعه است» (استیبی، ۱۳۹۵) برای خواننده تداعی می‌گردد. نویسنده با استفاده از تشخیص، ماه را در درون جامعه‌ای قرار می‌دهد که انسان‌ها به‌عنوان قسمتی از این جامعه تعریف می‌شوند؛ بنابراین یکی از نیازهای ضروری جامعه اصلاح نوع رابطه‌ی انسان با طبیعت است. درواقع رواج گونه‌ای از اخلاقیات زیست‌محیطی که رابطه‌ی انسان را با زیست‌بوم شکل می‌دهد. همان‌طور که دونالد ورستر مورخ نیز می‌گوید: «ما امروز نه به دلیل عملکرد اکوسیستم‌ها؛ بلکه به دلیل عملکرد سیستم اخلاقی با یک بحران جهانی روبرو هستیم.» (گلانتفلی، ۱۹۹۵)

از آن‌جا که در این داستان مدینه رابطه‌ای نزدیک با طبیعت دارد، وی با عناصری چون رادیو که باعث می‌شوند، انسان از طبیعت دور شود، مخالف است و وقتی که قوه‌ی رادیو تمام می‌شود، خوشحال است؛ زیرا اعتقاد دارد که اگر جعبه‌ی جادو خفه شود، پریان دریایی به سطح آب می‌آیند و او می‌تواند دوباره آن‌ها را ببیند:

«وقتی کسی به آبادی تردد نکند و جعبه جادو خفه شود، پریان دریایی به سطح آب می آیند و می توانند دوباره آن‌ها را ببینند.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

در این داستان با ورود صنعت به روستا آبادی‌ای به تصویر کشیده می‌شود که بلا تکلیف است. آبادی که جهان نویی به ذهنشان راه باز کرده که نمی‌گذارد مثل سابق زندگی کنند:

«آبادی بلا تکلیف بود. جهان نویی که راه به ذهنشان باز کرده بود، نمی‌گذاشت مثل سابق زندگی کنند. نان و گرده‌هایی (نوعی نان تنوری) که دی منصور پخته بود کپک زد.» (همان)

به همین دلیل مدینه با هجوم حرکت و صدا به آبادی که آرامش جهان را برهم زده، گوش‌هایش را می‌گیرد و صورتش از سرسام حرکت مچاله می‌شود:

«هجوم حرکت و صدا به آبادی آرامش جهان را برهم می‌زد. صداهایی عجیب و غریب که مدینه را وامی‌داشت تا گوش‌هایش را همیشه بگیرد و صورتش از سرسام حرکت مچاله شود.» (همان: ۳۴۸)

در این داستان یکی از خصوصیات این جهان نو، داشتن قانون و قانون‌گذاری است، چیزی که در آبادی جفره قبل از ورود مردان موبور و ابراهیم پلنگ نشانی از آن یافت نمی‌شد:

«مرد که نامش ابراهیم بود و پلنگی در سینه داشت تا ظهر در آبادی ماند. با کپ‌کپی در آبادی گشت، هیچ پاسگاهی ندید و هیچ نشانی از قانون و قانون‌گذاری.» (همان: ۱۸۳)

اما با زدن پاسگاه است که ما نمود ساختارها و قوانین را در آبادی جفره مشاهده می‌کنیم. قوانین و ساختارهایی که در شکل‌گیری گفتمان حاکم بر اهالی جفره و همچنین شکل‌گیری رفتارهای خاص در مردم آبادی جفره تأثیر بسیاری دارد؛ چرا که زدن پاسگاه در برهم خوردن زیست‌بوم جفره و شکل‌گیری رفتار شخصیت‌های داستان اهل غرق تأثیر چشم‌گیری داشته است:

«شاید قانون خیال دارد، دیواری بلند جلوی دریا بکشد تا دیگر هیچ کس نتواند دریا را ببیند.» (همان: ۲۴۹)

به همین دلیل مدینه جفره را زمانی آرام می‌بیند که قانون بار و بندیش را بردارد و از این آبادی برود:

«جهان هرگز آرام نخواهد شد، مگر آنکه قانون بار و بندیش را بردارد و از آبادی جفره برود تا دریا بی‌واسطه‌ی پاسگاه بتواند به روی آبادی نفس بکشد.» (همان: ۲۵۷)

در موارد ذکر شده اهمیت جهان طبیعی به‌جای مصنوعات بشری؛ یعنی طبیعتی که ساخته‌ی دست انسان است و اعمال قانون در آن نقشی اساسی دارد، به تصویر کشیده می‌شود. به همین دلیل «مشخص کردن مکان از نظر یک منطقه بیولوژیکی که منعکس‌کننده‌ی اهمیت جهان طبیعی به‌جای مصنوعات انسانی» (لینچ، گلاتفلتی، آرمبروستر، ۲۰۱۲) است در تداوم جوامع انسانی نقش مهمی ایفا می‌کند و این خود یکی از مؤلفه‌های اصلی زیست‌محیطی است که دیوید رابرتسون در مطالعه مهم خود درباره نقد ادبی زیست‌محیطی به آن پرداخته است.

۳-۵. مردان موبور

بعد از آمدن مردان موبور به جفره جهان سخت می‌شود؛ زیرا آنان در این داستان دزدانی هستند که با فریب دادن اهالی جفره، داروندار آن‌ها را به تاراج برده‌اند:

«جهان سخت می‌شد... دزدان این زمانه با چه ترفندی آدمی را خام می‌کنند؟ با قایقی که بزرگ‌ترین جادوگر جهان آن را چنان ساخته بود که به آسانی مثل باد از دریا به خشکی می‌آمد، به سراغت می‌آیند، به تو لبخند می‌زنند تا بار دیگر شبانه کارت را بسازند و داروندارت را به تاراج ببرند.» (روانی‌پور، ۱۳۶۹)

با ورود مردان موبور به جفره و آوردن رادیو و بهره‌برداری از زمین و همچنین ابراهیم پلنگ و ترغیب مردم برای شرکت در مراسم حزبی و ساختن سد و پاسگاه پایان طبیعت و آغاز فرهنگ نمود می‌یابد. در واقع آبادی جفره قبل از ورود مردان موبور، ابراهیم

پلنگ و رئیس فرهنگ برای افتتاح مدرسه، مکانی است که از فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به دور است و به طبیعت نزدیک. در واقع تا قبل از ورود مردان موبور، ابراهیم پلنگ، سرگرد صنوبری و رئیس فرهنگ به روستای جفره بین دیدگاه انسان‌محور و طبیعت‌محور تعادل وجود دارد؛ اما با ورود این مردان است که برهم خوردن تعادل زیست‌محیطی و بهره‌برداری از زمین، ساختن سد و پاسگاه و خشک‌سالی و آلودگی صوتی و ... که باعث کم‌رنگ شدن صدای طبیعت می‌شود، به وجود می‌آید. در این داستان علم و قدرتی در گردونه این روستا افتاده که ماهیتی عینی و برون‌ذات یافته و اهالی جفره در این راستا به شیء تبدیل شده‌اند که این را خود می‌توان به تأثیرپذیری از گفتمان اومانیزم عصر روشنگری که چهره‌ای فلسفی دارد، دانست. «اومانیزم در عصر روشنگری چهره‌ای فلسفی به خود می‌گیرد و ماهیت اومانیزم عبارت می‌شود از مبدل کردن انسان به شیئی زیست‌شناختی و دارای عقل.» (شریفیان، ۱۳۹۴) در حالی که فوکو اعتقاد دارد که «ترکیب‌های تجربی می‌باید در جای دیگری به‌غیر از حاکمیت مطلق «من می‌اندیشم» انجام می‌شدند.» (فوکو، ۱۳۸۹)

بنابراین شخصیت‌های داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور هر چه از قدرتی که طبیعت بکر جفره بر آن‌ها اعمال می‌کند و مدام در جدال با آن هستند، دورتر می‌شوند، بی‌سروسامان‌تر می‌شوند؛ زیرا این محیط است که شخصیت آن‌ها را شکل داده است و به آنان هویت بخشیده است؛ یعنی محیط جزئی از جامعه انسانی تصوّر می‌شده، نه جدای از آن. از این رو آنچه مورد نیاز جامعه‌ی جهانی معاصر ماست، ایستادگی در مقابل قدرت‌ها نیست؛ زیرا قدرت‌ها خود به تأثیرپذیری از گفتمان‌ها اعمال می‌شوند؛ بلکه به چالش کشیدن گفتمان‌هایی است که زندگی انسانی را بغرنج می‌کند و باعث بحران‌های زیست‌محیطی‌ای می‌گردد که نابودی انسان و کره‌ی زمین را رقم می‌زند. بحران‌هایی که با دیدی دوگانه به انسان و طبیعت می‌نگرد. از این روست که «اکولوژی ژرف سلسله‌مراتبی را که انسان و طبیعت را دوقطبی کرده است به چالش می‌کشد و با حمایت خطوط فکری دو مرکز، رابطه متقابل دوطرفه را که برای یک اکوسیستم پایدار مورد نیاز است، تصدیق

می‌کند.» (دریز، ۲۰۰۲) در این راستا در حل بحران‌های زیست‌محیطی جامعه‌ی جهانی ما دیدی فرانسائی موردنیاز است تا شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... را که در شکل‌گیری گفتمان‌ها نقشی بنیادی دارند، تغییر دهد. در داستان اهل غرق منیرو روانی‌پور شخصیت‌هایی از جمله مه‌جمال، زائر احمد حکیم و خیجو در پی فراهم آوردن جامعه‌ای فرانسائی هستند که اهالی آبادی بتوانند در آن زندگی انسانی شایسته‌ای داشته باشند. برجسته‌سازی دنیای فراتر از انسان که در این داستان نمود بارزی دارد خود مقوله‌ای است که زبان‌شناسی زیست‌محیطی «به بررسی الگوهای زبانی آن در نوشته‌های طبیعت نو می‌پردازد تا دنیایی فراتر از انسان را برای رفاه همه‌ی گونه‌ها از جمله بقا و رفاه انسان و ارتباط متقابل آن‌ها با نظام‌های بزرگ‌تر زندگی فراهم سازد.» (ر.ک: استیبی، ۱۳۹۵)

بحث و نتیجه‌گیری

داستان اهل غرق کنشی است به تأثیرپذیری از گفتمان‌های عصر نویسنده که در اعمال قدرت بر زیست‌بوم جفره و شکل‌گیری رفتار شخصیت‌های داستان تأثیر داشته است. دغدغه‌های این داستان را می‌توان برگرفته از نگاه منیرو روانی‌پور به پیرامون خود و مشکلات زیست‌محیطی‌ای دانست که در عصر حاضر جهان را به چالش کشیده، دچار بحران نموده است. این داستان نشانه‌ای از ویرانی محیط‌زیست جفره و ازهم‌گسیختگی نظام اجتماعی به تأثیرپذیری از گفتمان‌هاست که روابط پیچیده‌ی میان طبیعت و پیامدهای اجتماعی آن را نمودار می‌سازد.

در این داستان انسان در پی تسلط همه‌جانبه بر محیط‌زیست است که با شکست مواجه می‌شود؛ زیرا درست و در جای مناسب خود از آن استفاده نکرده و با توجه به اندیشه و قدرت انسانی که می‌تواند همه‌چیز را در انحصار درآورد، بدون توجه به پیامدهای آن نگریسته است. این داستان نمودی از برتری قدرت و چگونگی شکل‌گیری مقاومت در برابر گفتمان غالب اومانیزم فلسفی است که نتایج شوم ورود تمدن و صنعت به طبیعت و از بین رفتن سلامت محیط روستای جفره را به تصویر می‌کشد. گفتمان‌ها با اعمال قدرت

باعث شکل‌گیری رفتارهایی در انسان‌ها نسبت به جهان اطراف خود می‌شوند که در این داستان نیز نمود دارد. خیعجو در این داستان شخصیتی است که هرچند در برابر شبکه قدرتی که به تأثیرپذیری از گفتمان اومانیسیم فلسفی اعمال می‌شود، مقاومت می‌کند، اما شکست می‌خورد؛ چراکه در این داستان انسان و طبیعت محملی برای اجرای قدرت است. زائر احمد حکیم نیز شخصیتی است که در برابر نیروهای درونی طبیعت دچار سرگردانی می‌شود؛ سرگردانی‌ای که باعث دیدی دوگانه در وی می‌گردد. در کل زایرا احمد حکیم در این داستان در ابتدا تسلیم جهان سرمایه‌داری می‌شود که زندگی‌ای را برای اهالی جفیره رقم می‌زند که باعث ازهم‌پاشیدگی وحدت آنان می‌گردد. هرچند بعد با آگاهی از تبعات چنین تسلیمی پشیمان می‌شود و سعی می‌کند که در مقابل سلطه‌ی انسان بر طبیعت عکس‌العمل نشان دهد؛ اما نمی‌تواند کاری از پیش ببرد؛ زیرا قانون است که به آن‌ها می‌گوید چگونه رفتار کنند. مه جمال در این داستان شخصیتی است که از سلطه‌ی آدمی بر طبیعت نگران است و با ورود صنعت به روستا و شهر شدن آبادی مخالف؛ زیرا این دو را باعث دور شدن آبادی از طبیعت و دریا می‌داند. وی دیدی فرانسوی به طبیعت دارد و نگران زمین است؛ زمینی که در اثر سلطه‌ی آدمی تکه‌پاره می‌شود. مدینه نیز در این داستان رابطه‌ای نزدیک با طبیعت دارد؛ رابطه‌ای که در آن عناصر طبیعت جزئی از جامعه انسانی تصور می‌شوند. از این رو با عناصری که باعث می‌شوند، انسان از طبیعت دور شود، مخالف است؛ زیرا این عناصر باعث می‌شود جهان نویی به ذهن شخصیت‌های داستان راه باز کند که نگذارد مثل سابق زندگی کنند. جهان نویی که یکی از خصوصیات آن قانون و قانون‌گذاری است که به عقیده‌ی فوکو تأثیر بسیاری در شکل‌گیری گفتمان‌ها دارد. از این رو مدینه جفیره را زمانی آرام می‌بیند که اثری از قانون در آن نباشد؛ اما مردان موبور در این داستان قدرت سرمایه و اقتصاد را در اختیار دارند و از آن در راستای سلطه بر طبیعت استفاده می‌کنند که باعث نابودی زیست‌بوم طبیعی و ازهم‌پاشیدگی جامعه‌ی انسانی جفیره می‌گردد. با توجه به موارد ذکر شده ما به این نتیجه می‌رسیم که محیط طبیعی جفیره دست‌خورده است و تبدیل به محیطی مصنوعی شده که ساخته‌ی نیرو و فکر انسان است.

نیرو و فکری که ما تأثیر گفتمان اومانیسیم فلسفی را در اعمال قدرت بر آن‌ها به‌وضوح می‌بینیم.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Asad Abshirini		http://orcid.org/0000-0003-3601-3367
Mohammad Reza Salehi Mazandarani		http://orcid.org/0000-0003-4955-4453
Manouchehr Jokar		http://orcid.org/0000-0002-6606-3501
Fatemeh Hayatdavoodi		http://orcid.org/0000-0002-4324-6655

منابع

- استیسی، آرن. (۱۳۹۵). *زبان‌شناسی زیست‌محیطی: زبان، محیط‌زیست داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. ترجمه گروه مترجمان زیر نظر فردوس آفاگل‌زاده. تهران: نشر نویسه پارسی.
- اکلشال، رابرت. (۱۳۹۹). *ایدئولوژی‌های سیاسی*. ترجمه‌ی محمد قائد. تهران: فرهنگ نشر نو.
- اگان، گابریل. (۲۰۰۶). *شکسپیر سبزاز سیاست محیطی تا نقد بوم‌گرا*. لندن و نیویورک: روتلج.
- آدورنو، تئودور و هورکهایمر، ماکس. (۱۳۸۹). *دیالکتیک روشنگری*. مترجمان: مراد فرهادپور و امید مهرگان. چ ۴. تهران: گام نو.
- بشیریان، فرهاد و شایان سرشت، اکبر. (۱۳۹۶). *نقد بوم‌گرایانه دفتر شعر از زبان برگ سروده‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی*. *مجله شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*، ۹(۳)، ۱-۱۸.
- بری، اسمارت. (۱۳۸۵). *میشل فوکو*. مترجمان: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: اختران.
- بهیان، شاپور. (۱۳۸۹). *روش‌شناسی میشل فوکو*. *مجله علوم اجتماعی*، ۴(۸)، ۱-۲۰.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۹۲). *درباره نقد بوم‌گرا*. *گردآوری، مقدمه و ویرایش*، مترجمان: عبدالله نوروزی و حسین فتحعلی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- _____ (۱۳۹۵). ادبیات سبز، مجموعه مقالات در نقد بوم‌گرایانه‌ی ادبیات فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حقیقی، شاهرخ. (۱۳۷۹). گذار از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا. تهران: آگه.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۹۱). از دریچه‌ی نقد، مجموعه مقالات، تهران: خانه‌ی کتاب.
- دریز، دانیل نیکول. (۲۰۰۲). نقد بوم‌گرا: ایجاد خود و مکان در ادبیات زیست‌محیطی و ادبیات هندی آمریکایی. نیویورک: لانگ.
- روانی‌پور، منیرو. (۱۳۶۹). اهل غرق. چ ۲. تهران: خانه آفتاب.
- شریفیان، مهدی. (۱۳۹۴). چشم‌اندازهای اومانستی در عرفان ایرانی. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۱۱(۳۹)، ۱۶۱-۱۹۸.
- فرتر، لوک. (۱۳۸۶). لویی آلتوسر. ترجمه امیر احمدی آریان. تهران: مرکز.
- فوکو، میشل. (۱۳۸۷). دانش و قدرت. ترجمه محمد ضیمران. چ ۴. تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۸۹). نظم اشیاء: دیرینه‌شناسی علوم انسانی. ترجمه یحیی امامی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- _____ (۱۳۹۰). باید از جامعه دفاع کرد: درس گفتارهای کلژ دوفرانس ۱۹۷۵-۱۹۷۶. ترجمه‌ی رضا نجف‌زاده. تهران: رخ داد نو.
- _____ (۱۳۹۰). اراده به دانستن. مترجمان: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. چ ۶. تهران: نی.
- گرارد، جرج. (۲۰۰۴). نقد بوم‌گرا. لندن و نیویورک: روتلج.
- گلاتفتلی، چریل و کیوسنل، اِوِ. (۲۰۱۵). زیست کره و زیست منطقه: نوشته‌های اساسی پیتر برگ. لندن و نیویورک: روتلج.
- گلاتفتلی، چریل و فروم، هارولد. (۱۹۹۵). خواننده بوم‌محور: نقاط عطفی در بوم‌شناسی ادبی. آتن و لندن: مطبوعات دانشگاه جورجیا.
- لینچ، تام، گلاتفتلی، چریل و آرمبستر، کارلا. (۲۰۱۲). تخیل زیست منطقه‌ای: ادبیات، بوم‌شناسی و مکان. آتن و لندن: انتشارات دانشگاه جورجیا.
- مازل، دیوید. (۱۹۹۶). محیط‌زیست ادبی آمریکا، ۱۶۳۷-۱۸۷۲، دانشگاه ایالتی لوئیزیانا و کالج کشاورزی و مکانیک. رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تاریخی. دانشگاه ایالتی لوئیزیانا: دانشکده کشاورزی و مکانیک.

مساروش، ایشنوان. (۱۳۸۰). *نظریه‌ی بیگانگی مارکس*. ترجمه حسن شمس‌آوری و کاظم فیروزمند. تهران: مرکز.

مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۰). *فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

میلز، سارا. (۱۳۹۷). *میشل فوکو*. ترجمه مرتضی نوری. ج ۴. تهران: مرکز.

هالیدی، مایکل و متیسن، کریستین. (۲۰۱۴). *مقدمه‌ای بر دستور زبان کاربردی*. لندن و نیویورک: روتلج.

References

- Adorno, Th., Horkheimer, M. (2010). *The Dialectic of the Enlightenment*. Translators: Farhadpour, M. & Mehregan, O. Fourth Edition. Tehran: Game No. [In Persian]
- Bashirian, F., Shayanesrasht, A. (2017). Ecological Critique of the Poetry Office from the Language of the Leaf by Mohammad Reza Shafiei Kadkani. *Journal of Poetry Studies (Bustan Adab) Shiraz University*, 9(3), 1-18. [In Persian]
- Barry, S. (2006). *Michel Foucault*. Translators: Leila Javafshani & Hassan Chavoshian. Tehran: Akhtaran. [In Persian]
- Bahyan, Sh. (2010). Methodology of Michel Foucault. *Journal of Social Sciences*, 4(8), 1-20. [In Persian]
- Dastgheyb, A. (2012). *From the Perspective of Criticism (Collection of Articles)*. Tehran: Book House. [In Persian]
- Dreese, D. N. (2002). *Ecocriticism: Creating Self and Place in Environmental and American Indian Literatures*. New York; Washington: D.C. Baltimore; Bern; Frankfurt am Main; Berlin; Brussels; Vienna; Oxford: Lang. (American Indian studies; Vol. 15) [In Persian]
- Eklshal, R. (2020). *Political Ideologies*. Translated by Ghaed, M. Tehran: Farhang Nashre No. [In Persian]
- Egan, G. (2006). *Green Shakespeare From Ecopolitics to Ecocriticism*. London and New York: Routledge is an Imprint of the Taylor & Francis Group. [In Persian]
- Ferter, L. (2007). *Loui Althusser*. Translated by Ahmadi Arian, A. Tehran: Center. [In Persian]
- Foucault, M. (2008). *Knowledge and Power*. Translated by Zeymaran, M. Fourth Edition, Tehran: Hermes. [In Persian]

- _____. (2010). *The Order of Objects: Paleontology of the Humanities*. Translated by Emami, Y. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]
- _____. (2011). *Society must be Defended: Course of Speeches of the Collège de France 1975-1976*. Translated by Najafzadeh, R. Tehran: New event. [In Persian]
- _____. (2011). *The Will to Know*. Translators: Sarkhosh, N. & Jahandideh, A. Sixth Edition. Tehran: Ney. [In Persian]
- Garrard, G. (2004). *Ecocriticism*. London and New York: Routledge. [In Persian]
- Glotfelty, Ch., Eve, Q. (2015). *The Biosphere and the Bioregion: Essential Writings of Peter Berg*. London and New York: Routledge. [In Persian]
- Glotfelty, Ch., Fromm, H. (1995). *The Ecocriticism Reader. Landmarks in Liteerary Ecology*. Athens and London: The University of Georgia press. [In Persian]
- Halliday, M., Matthiessen, Ch. (2014). *An Introduction to Functional Grammar*. London and New York: Routledge. [In Persian]
- Haghighi, Sh. (2000). *Transition from Modernity?* Nycheh, Foucault, Leyutar, Derrida. Tehran: Agah. [In Persian]
- Lynch, T., Glotfelty, Ch., Armbrus, K. (2012). *The Bioregional Imagination: Literature, Ecology, and Place*. Athens and London: The University of Georgia Press. [In Persian]
- Masaroush, A. (2001). *Marx's Theory of Alienation*. Translated by Hassan Shamsavari, Kazem Firoozmand. Tehran: Center. [In Persian]
- Mazel, D. (1996). *American Literary Environmentalism, 1637-1872*, Louisiana State University and Agricultural & Mechanical College, LSU Historical Dissertations and Theses. 6204. [In Persian]
- Mills, S. (2018). *Michel Foucault*. Translated by Morteza Nouri. fourth Edition. Tehran: Center. [In Persian]
- Modaresi, F. (2011). *Descriptive Culture of Literary Criticism and Theories*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Parsapour, Z. (2013). *On Ecological Criticism / Collection, Introduction and Editing*. Translators: Norouzi, A. & Fath Ali, H. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- _____. (2016). *Green Literature / Collection of Articles on Ecological Criticism of Persian Literature*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Ravanipour, M. (1990). *Ahle Gharg*. Second Edition. Tehran: Aftab House. [In Persian]

- Sharifian, M. (2015). Humanist Perspectives on Iranian Mysticism, *Quarterly Journal of Mystical Literature and Mythology*, 11(39), 161-198. [In Persian]
- Steibi, A. (2016). *Environmental Linguistics: Language, Environment The Stories we Live with*. Translated by a Group of Translators under the Supervision of Ferdows Aghagolzadeh. Tehran: Parsi Navishe Publishing. [In Persian]

استناد به این مقاله: آبشیرینی، اسد، صالحی مازندرانی، محمدرضا، جوکار، منوچهر و حیات داوودی، فاطمه. (۱۴۰۱). نقد و تحلیل بوم‌گرایی داستانِ اهل غرق منیرو روانی‌پور با نگاهی به گفت‌مان قدرت. *متن پژوهی ادبی*، ۲۶(۹۴)، ۷-۳۳. doi: 10.22054/LTR.2022.61418.3394



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.